

اما نهنگ کتابی فارسی که بسی موضوعات در کتب فارسی  
 رفته است اما آنچه علما آنرا پسندیده اند و معین است  
 اول در فقه دینی یکی ترجمه الاحکامات و کفایه قرآنی است  
 و آنچه ازین کتبی چند معین بدو آورده اند اینها هم احکام شرعی  
 و آنچه امام غزالی رحمه الله علیه فرموده مثل ترجمه  
 اخیایا علوم و کیمای سعادت که هر چه طلب کنی از آن بیایی  
 که این کینه خاکی را از روح برفوتوح حضرت سید المرسلین  
 پرتوی رسید صلوات الله و بعد از روح حجة الاسلام  
 امام غزالی رحمه الله علیه اشارتی شد تا این کتاب بحر السعاده  
 غواصی گوید و این در و اسرار و معانی در بسک بیان آورده  
 و این مقدار است که هر مقدار از کیمیا که بر چیزی میزند  
 آنرا ناپاخالص میگرداند پس عجیب مدار که این مسرت  
 قدر این کینه خاکی بنظر کیمیا صفت علما بر تالی شد  
 و این کتاب بحر السعاده بسعاده ایشان سعاده بیاید  
 و این کتاب به پرتو سنت و متابعت محرمی میباشد صلوات الله

بیت  
 ما خود

بیت

ما خود چه آوریم که وز نی بیاورد در حضرت جلال تو تنزل حقیر ما  
 از کیمای لطف تو باشد که ز شود در بونته قبول تو قبل کسیر ما  
 نو میدکی بشویم ز لطف که هر سخن آید حضرت توند کای فقیر ما  
 خوش باش کن برای آماده کرده ایمن کنج عطای وافر و نزل کثیر ما

**فصل دوم**

این فصل در بیان آنست که علم چند قسم است و هر قسمی  
 از آن بخند قسم منقسم میشود و فنون علم از آن منشعب  
 میگردد و حق سبحانه و تعالی هر کسی را آن مقدار که قسمت  
 کرده است آنرا در میباید و بر آن راضی شود و عالم آن  
 بود که بداده حق تعالی راضی شود **چنانچه** آن معدن علم  
 و حیا و کرم وجود و عطا **یعنی** امیر المؤمنین علی کرم الله  
 وجهه فرموده **بیت** رَضِينَا قِسْمَتَ الْحَيْرِ وَ قِسْمَتَنَا  
**فَانِ الْمَالِ يُفْنِي عَنِ قَرِيبِ** **وَ اِنَّ الْعِلْمَ يَأْتِي لَازِلًا**  
**مَعِيشَتِ** اینست که راضی شدیم بقسمتی که حق تعالی ما را  
 داده است زیرا که ما را علم داد و دشمنان ما را مال

و این کلام را  
 در کتاب  
 بحار  
 السعاده  
 آورده  
 اند